

## Disciplinary Violations of the Lawyer Against the Client With Emphasis on Receiving Attorney's fees in Excess of the Tariff

Mehdi Taheri<sup>1</sup>, Akbar Rajabi<sup>2\*</sup>, Samira Golkhandan<sup>3</sup>

1. Department of Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.
2. Department of Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.
3. Department of Law, Faculty of Humanities, Khomein Branch, Islamic Azad University, Khomein, Iran.

### ARTICLE INFORMATION

**Article Type:** Original Research

**Pages:** 1155-1170

**Article history:**

**Received:** 12 May 2022

**Edition:** 03 Jul 2022

**Accepted:** 09 Aug 2022

**Published online:** 23 Dec 2025

**Keywords:**

Lawyers, Violation, Attorney's Fees, Client.

**Corresponding Author:**

Akbar Rajabi

**Address:**

Iran, Khomein, Islamic Azad University, Khomein Branch, Department of Law, Faculty of Humanities.

**Orchid Code:**

0009-0007-0536-454X

**Tel:**

09181651009

**Email:**

a.rajabi135353@gmail.com

### ABSTRACT

**Background and Aims:** Lawyers play an important role in the realization of judicial justice. Accordingly, their violations are important issues that need to be discussed. The purpose of this article is to examine the disciplinary violations of the attorney against the client, emphasizing the receipt of attorney's fees in excess of the tariff.

**Materials and Methods:** This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

**Ethical Considerations:** In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are observed.

**Findings:** Lawyers may commit violations such as revealing client's professional secrets or receiving additional attorney's fees or studying law by resorting to deceptive means. Therefore, the legislator has defined some of the legal duties of lawyers in the Law of Advocacy, the Law on the Independence of the Bar Association and the regulations related to it, and in case the lawyer violates any of these duties, he has also determined a punishment.

**Result:** The freedom in determining the amount of attorney's fees is accepted in private contracts, but this freedom of contract faces limitations, which can be the prohibition of the right of profit from the claimant, the prohibition of obtaining any documents as a guarantee of the payment of attorney's fees, the prohibition of obtaining any money. Obligation pointed out. Failure to comply with these restrictions, in addition to invalidating the concluded contract, will also result in disciplinary punishment for the lawyer.

**Cite this article as:**

Taheri, M; Rajabi, A; Golkhandan, S. *Disciplinary Violations of the Lawyer Against the Client With Emphasis on Receiving Attorney's fees in Excess of the Tariff*. Economic Jurisprudence Studies. 2025.

مجله مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

### تخلّفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال موکل با تأکید بر دریافت حق الوکاله مازاد بر تعرفه

مهدی طارمی<sup>۱</sup>، اکبر رجبی<sup>۲</sup>، سمیرا گل خندان<sup>۳</sup>

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۲. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

۳. گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران.

#### چکیده

**زمینه و هدف:** وکلای دادگستری نقش مهم در تحقق عدالت قضایی دارند. بر همین اساس تخلّفات آن‌ها از موضوعات مهمی است که نیازمند بحث و بررسی است. هدف مقاله حاضر بررسی تخلّفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال موکل با تأکید بر دریافت حق الوکاله مازاد بر تعرفه است.

**مواد و روش‌ها:** مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**یافته‌ها:** وکلای دادگستری ممکن است مرتکب تخلّفات چّون افشای اسرار حرفه‌ای موکل یا دریافت حق الوکاله اضافی یا تحصیل وکالت با توسل به وسایل فریبنده گردد. لذا مقنن در قانون وکالت، لایحه استقلال کانون وکلا و آیین‌نامه‌های مربوط به آن برخی از وظایف قانونی وکلا را مشخص و در صورت تخطی وکیل از هر یک از وظایف مزبور نیز مجازاتی را تعیین نموده است.

**نتیجه:** آزادی در تعیین میزان حق الوکاله در قراردادهای خصوصی پذیرفته شده است، اما این آزادی قراردادی با محدودیت‌هایی روبرو است که می‌توان به ممنوعیت حق انتفاع از مدعی به، ممنوعیت اخذ هر گونه سند به عنوان تضمین پرداخت حق الوکاله، ممنوعیت اخذ هر گونه وجه التزام اشاره کرد. عدم رعایت این محدودیت‌ها علاوه بر اینکه می‌تواند باعث بلا اثر شدن قرارداد منعقد گرد، مجازات انتظامی نیز برای وکیل در پی خواهد داشت.

#### اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۵۵-۱۱۷۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۲

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۱۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

#### واژگان کلیدی:

وکلای دادگستری، تخلّف، حق الوکاله، موکل

#### نویسنده مسئول:

اکبر رجبی

#### آدرس پستی:

ایران، خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین، دانشکده علوم انسانی، گروه حقوق.

#### تلفن:

09181651009

#### کد ارمک:

0009-0007-0536-454X

#### پست الکترونیک:

[a.rajabi135353@gmail.com](mailto:a.rajabi135353@gmail.com)

## ۱. مقدمه

نهاد وکالت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وکلای دادگستری وظیفه و نقش مهمی در ایجاد و حفظ عدالت و قانون‌گرایی در رسیدگی‌های قضایی بر عهده دارند. ارتکاب هر گونه جرم و یا تخلف توسط آنها در جریان انجام وظایف وکالتی، آسیب جبران‌ناپذیری به عدالت، نظم و حقوق فردی و اجتماعی در جامعه وارد می‌کند. قانونگذار برای جلوگیری از تخلفات و جرایم احتمالی وکلای دادگستری مقررات پراکنده‌ای را وضع نموده است. واقعیت امر این است که این مجموعه قوانین پراکنده بوده و منسوخ شدن بعضی قوانین از یک سو و اهمیت آثار و پیامدهای جرایم و تخلفات وکیل دادگستری و تأثیر مخرب آن بر روند رسیدگی محاکم سلب اطمینان و اعتماد مردم از آنها از سوی دیگر، ضرورت بررسی جنبه‌های گوناگون تخلفات و جرایم مربوط دست اندرکاران دستگاه عدالت کیفری برای پیشگیری و مقابله با اینگونه جرایم را ضروری ساخته است. در مسئولیت کیفری، موضوع جرم و در مسئولیت انتظامی، خطای انتظامی یا تخلف انتظامی مطرح است، خواه این خطا یا تخلف انتظامی جرم باشد خواه نباشد خطای انتظامی نقض تکالیفی است که به موجب مقررات صنفی مانند مسئولیت انتظامی پزشکان، داروسازان، وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری وضع شده است. از آنجا که مسئولیت کیفری ناشی از جرم و مسئولیت انتظامی ناشی از تخلف است لذا در بیان تفاوت جرم و تخلف باید گفت: جرم فعل یا ترک فعل را گویند که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است (ماده ۲ قانون مجازات اسلامی) اما تخلف انجام هر گونه عمل یا ترک عملی است که بر

خلاف مقررات و دستورات و نظم و ترتیب و شئون و عرف جامعه باشد. تخلف انتظامی، به موارد تخطی و نقض افراد یک صنف، حرفه و یا شغل از مقررات و نظاماتی است که جهت حفظ شئون و سلامت افراد آن صنف یا حرفه در نظر گرفته می‌شود. نقض مقررات صنفی به وسیله یک نفر از افراد آن صنف مانند صنف پزشکان، وکلا و قضات تخلف انتظامی نامیده می‌شود. موضوع تخلفات انتظامی مربوط به رعایت شئون شغلی و رعایت شرح وظایف صنفی و حرفه‌ای می‌باشد. اما منظور از جرم هر رفتاری اعم از انجام دادن یک کار (فعل) و انجام ندادن کار (ترک فعل) که در قوانین جزایی، برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می‌گردد. هدف مقاله حاضر بررسی این سوال است که تخلفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال موکل چه مواردی را شامل می‌شود و رویکرد قانونگذار نسبت به حق الوکاله مازاد بر تعرفه چگونه است؟ به منظور بررسی سوال مورد اشاره ابتدا مصادیق تخلفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال موکل و سپس حق الوکاله مازاد بر تعرفه از دیدگاه قانون مدنی، قانون وکلا و آیین‌نامه‌های کانون وکلای دادگستری بررسی می‌شود.

## ۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

## ۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

#### ۴. یافته‌ها

وکلائی دادگستری ممکن است مرتکب تخلفاتی چون افشای اسرار حرفه‌ای موکل یا دریافت حق الوکاله اضافی یا تحصیل وکالت با توسل به وسایل فریبنده گردد. لذا مقنن در قانون وکالت، لایحه استقلال کانون وکلا و آیین نامه‌های مربوط به آن برخی از وظایف قانونی وکلا را مشخص و در صورت تخطی وکیل از هر یک از وظایف مزبور نیز مجازاتی را تعیین نموده است.

#### ۵. بحث

شخص در صورتی از نظر انتظامی مسئول است که مکلف به تحمل یکی از مجازاتهای انتظامی گردد، اگر چه در مسئولیت مدنی معمولاً اموال و در مسئولیت کیفری حیثیت، جان، آزادی یا مال شخص تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ اما عواقب مسئولیت انتظامی معمولاً متوجه موقعیت شغلی، اداری و مقام شخص می‌گردد. «تخلف انتظامی موجب مسئولیت انتظامی می‌شود و آن عدم انجام وظایف شغلی و یا تجاوز از حدود قانونی مربوط است که شخص حین خدمت یا به سبب آن مرتکب می‌شود. در ایران واژه‌های تخلف، مسئولیت انتظامی و مجازات انتظامی بنابر نص، در مورد قضات، وکلای دادگستری و کارشناسان رسمی به کار می‌رود و در مورد سایرین معمولاً به جای قید انتظامی، قید انضباطی یا اداری آورده می‌شود» (شمس، ۱۳۸۶، ج ۱، ۱۸۷). «تخلف انتظامی تعریف خاصی در قوانین ندارد ولی نقض مقررات صنفی به وسیله یکی از اعضاء صنف مانند تخلف قاضی، وکیل، کارشناس، سردفتر و دفتریار را جرم انضباطی، تقصیر انضباطی هم گفته‌اند. تخلف انضباطی به اندازه جرم‌ها صریح و قطعی نیست. به همین جهت عدم لیاقت و عدم رعایت شئون صنفی تخلف انضباطی است ولی نظیر

این‌ها در جرایم نیست در مورد تخلفات انضباطی، تناسب انضباطی با شغل متخلف را رعایت می‌کنند به صورت توبیخ، تعلیق موقت، انفصال و غیره، اما در کیفر جرایم غالباً تناسب مجازات با مشاغل مجرمین رعایت نمی‌شود مانند اعدام و حبس و جزای نقدی و غیره» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۵، ج ۲، ۱۱۶۷).

«در توضیح و تبیین تخلفات انتظامی بیان این واقعیت ضروری است که هر فعل یا ترک فعلی که واجد وصف مجرمانه باشد حتی در صورت عدم قابلیت محکومیت کیفری (مثلاً فقدان عنصر معنوی و سوء نیت) جز در موارد استثنائی می‌تواند تحت عنوان فعل خلاف شئون یا ترک آن و مغایر حیثیت وکالتی از جهت انتظامی قابل تعقیب باشد و این ویژگی را تخلفات انتظامی، واجد هستند که به محض ترک مسئولیت‌های مدنی، وکیل یا کارآموز را در معرض تعقیب انتظامی هم قرار می‌دهد» (زمانی سلیمی، ۱۳۸۶، ۱۷۹-۱۷۱). در حقوق اداری تخلف عبارت است از تجاوز مأمور دولت از مقررات اداری در حین انجام وظیفه. تخلف انضباطی در واقع نقض مقررات صنفی توسط فرد یا افراد آن صنف مثل قضات یا صنف سردفتران است.

#### ۵-۱. مصادیق تخلفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال موکل

در این قسمت به بررسی تخلفات انتظامی وکیل دادگستری در قبال موکل پرداخته می‌شود.

##### ۵-۱-۱. تحصیل وکالت به صورت فریبنده

در این زمینه یک مصوبه بسیار قدیمی هیات مدیره کانون وکلا وجود داشته که هرگونه تبلیغ برای وکلای دادگستری ممنوع دانسته است. ماده ۸۰ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری مصوب ۱۳۳۴ مقرر می‌دارد: «در

موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می شود ۳- در صورتی که به وسیله فریبنده تحصیل وکالت نماید». این مصوبه صرف نظر از قدمت و عدم انتشار آن جهت نقد و بررسی احتمالی نمی تواند این حق را بدون مستند قانونی، ممنوع نماید. مضافا اینکه بند ۳ ماده ۸۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا، که مورد استناد قرار گرفته، تنها ناظر به توسل وکیل به وسایل متقلبانه (غیر واقعی) برای پذیرش وکالت است که در واقع چون نوعی کلاهبرداری محسوب می گردد ممنوع است که اساسا ارتباطی به تبلیغات واقعی وکلا ندارد.

«یکی از شیوه های متداول امروزی که موجب فریب مردم و در نتیجه تحصیل وکالت از طرق فریبنده می گردد، تبلیغ در رسانه های گروهی است. حسب اعلام کانون وکلای دادگستری مرکز وکلایی که با درج آگهی در جراید کشور در مورد ارائه خدماتی نظیر قبول وکالت در دعاوی یا مشاوره حقوقی یا تنظیم قرارداد یا ثبت شرکتها و تغییرات و غیره تبلیغ نموده و با مؤسسات غیر قانونی همکاری می نمایند متخلف محسوب و عمل آنان از مصادیق بارز بند ۳ از ماده ۸۰ ناظر به ماده ۷۶ آیین نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلا بوده و قابل تعقیب است. ریاست کانون وکلای دادگستری مرکز طی نامه شماره ۱۰۸۸۳-۱۳۷۹/۷۰/۱۲ به ریاست صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران اشعار نموده است: در برخی از برنامه های تلویزیونی مشاهده می شود که در مصاحبه با وکلای دادگستری تصویر برداری از دفاتر وکالت و معرفی حرفه تخصصی آنان به نوعی به تصویر کشیده می شود که جنبه تبلیغ برای امور وکالتی تعبیر می شود. نظر به این که طبق بند ۳ از ماده ۸۰ آیین نامه استقلال کانون

وکلای دادگستری که صراحت دارد: «در صورتی که به وسیله فریبنده تحصیل وکالت نماید» تبلیغ شغلی به منظور جلب مراجعین تلقی می شود؛ لذا مستدعی است دستور فرمائید در خصوص انجام مصاحبه و نحوه آن در این مورد به این نکته عنایت بیشتری مبذول فرمایند» (قهرمانی، ۱۳۸۷، ۲۱۱).

«رویه محاکم انتظامی نیز بارزترین مورد تحصیل فریبنده وکالت را تبلیغ غیر واقعی وکیل دانسته است به موجب کیفرخواست شماره ۸۲/۴۱۵ مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۰۳ دادسرای محترم کانون و اعلام تخلف آقای... وکیل پایه یک دادگستری مبنی بر تبلیغ از طریق نشر آگهی به قصد جلب موکل با توجه به کپی آگهی روزنامه گزارش مورخ ۱۳۸۱/۰۲/۲۱ (تحقیق از محل) و این که آقای... با وجود ابلاغ دعوت نامه های مکرر به دفتر ایشان در کانون و دادسرا حاضر نشده و دفاعی به عمل نیاورده است تخلف ایشان محرز و منطبق با بند یک ماده ۸۰ است. دادگاه به لحاظ فقد سابقه تخلف انتظامی با اعمال یک درجه تخفیف آقای... را به توبیخ با درج در روزنامه و مجله کانون محکوم می کند» (زمانی سلیمی، ۱۳۸۶، ۱۷۹-۱۷۱).

دادگاه عالی انتظامی قضات نیز در رأی شماره ۱۷۱-۱۳۷۴/۱۰/۲۳ آورده «با توجه به محتویات پرونده امرو شکایت انتظامی اعمال آقای... وکیل دادگستری از قبیل تنظیم مبیعه نامه با اشخاص مورد شکایت و اخذ بیعانه و تسلیم اسناد موکل خود ... به آنان بر خلاف اختیارات و صلاحیت او بوده و فاقد وجهه قانونی است و دفاع او مبنی بر این که اعمال مزبور با موافقت شاکی و موکل خود و اجازه ضمنی او بوده مخالف اظهارات شاکی انتظامی و محتویات پرونده می باشد لذا

محکومیت او از طرف شعبه اول دادگاه انتظامی کانون وکلا دادگستری مرکز به یک سال محرومیت از وکالت بر طبق بند ۳ از ماده ۸۱ آئین نامه لایحه قانون اصلاح کانون وکلای دادگستری و بند ۵ ماده ۷۶ آئین نامه مزبور بر خلاف قانون نبوده اعتراض آقای... بر آن وارد نیست».

#### ۵-۱-۲. قبول وکالت به طرفیت موکل سابق

ارتکاب این تخلف انتظامی به اشکال مختلفی قابل انجام است. برای بررسی اولین شکل آن می‌بایست به ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹/۱/۲۱ اشاره کرد که مقرر می‌دارد: «وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیر دولتی، شهرداری‌ها و بانکها می‌توانند برای طرح هرگونه دعوا یا دفاع و تعقیب دعاوی مربوط از اداره حقوقی خود یا کارمندان رسمی خود با داشتن یکی از شرایط زیر به عنوان نماینده حقوقی استفاده نمایند...». بنابراین در صورتی که وکیل دادگستری در یکی از موسسات قانونی مذکور به عنوان نماینده حقوقی شاغل باشد، دیگر نمی‌تواند به طرفیت آن موسسه دولتی قبول وکالت نماید. این ممنوعیت در بند ۸ ماده ۸۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری وکیل دادگستری متخلف تعیین کرده است. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: «...در صوتی که در یکی از وزارتخانه‌ها یا ادارات دولتی یا مملکتی یا شهرداری یا بنگاه‌هایی که تمام یا قسمتی از سرمایه آنها متعلق به دولت است، سمت وکالت یا مشاوره حقوقی داشته و علیه آنها قبول وکالت نماید».

در این ماده قانون خصوصیت بزه دیده تعلق آن به نهادهای دولتی و یا شهرداری می‌باشد و نوع موضوع وکالت وکیل دادگستری به طرفیت بزه دیده دارای خصوصیت خاصی نیست. میزان مجازات در وکالت می‌نماید. این تفاوت در مجازات انتظامی بر اساس خصوصیت مرتکب توجیه منطقی و قانونی ندارد، زیرا تفاوتی بین بزه دیده دولتی و غیر دولتی وجود ندارد. ممنوعیت وکیل دادگستری از قبول وکالت به طرفیت موکل سابق دولتی محدود به زمان نیست و شامل موضوعاتی می‌شود که مربوط به موکل سابق دولتی است. شکل دوم ارتکاب این تخلف انتظامی در ماده ۳۷ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ تعیین شده است که مقرر می‌دارد: «وکلاء نباید بعد از استعفاء از وکالت یا معزول شدن از طرف موکل یا انقضاء وکالت به جهتی از جهات وکالت طرف مقابل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع بر علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نمایند و محاکم وکالت او را نباید در این مورد بپذیر به موجب بند ۲ ماده ۸۲ آیین نامه مذکور نیز قبول وکالت به طرفیت موکل سابق در همان موضوع تخلف می‌باشد و مجازات درجه شش (محرومیت دائم از وکالت برای آن تعیین شده است. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: ۲۳- در صورتی که بعد از استعفاء یا عزل از طرف موکل یا انقضای وکالت به جهت دیگر وکالت طرف موکل یا اشخاص ثالث را در آن موضوع علیه موکل سابق خود یا قائم مقام قانونی او قبول نماید». در این ماده قانونی خصوصیتی به طور عام برای بزه دیده وجود ندارد و بزه دیده اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی است. خصوصیت خاص بزه دیده اعطای وکالت سابق به وکیل دادگستری متخلف است. وکیل دادگستری در این ماده قانونی از انجام وکالتی علیه موکل

سابق خود ممنوع است که راجع به موضوع سابق وکالت و یا در رابطه مستقیم با آن باشد به نحوی که یک موضوع واحد به شمار آیند. مجازات این تخلف انتظامی از مجازات شکل قبلی آن یعنی وکالت علیه موکل سابق دولتی شدیدتر است و به طور مطلق محرومیت دائم از شغل وکالت می باشد که این تفاوت در میزان مجازات از نظر قانونی و منطقی توجیهی ندارد. ضمناً ممنوعیت وکالت علیه موکل سابق غیر دولتی محدودیت زمانی ندارد و تا ابد ادامه پیدا می کند.

### ۵-۱-۳. انتقال قرارداد وکالت به دیگری

انجام امر وکالت از امور قائم به شخص بوده و موکل با عنایت به شناختی که از تواناییهای وکیل دارد جهت پیگیری و تعقیب امور خود به وی مراجعه می کند. ماده ۷۹ آیین نامه قانون وکالت مصوب ۱۳۱۶: «انتقال قرارداد حق الوکاله به دیگری مادام که کار انجام و خاتمه نیافته اعم از این که انتقال گیرنده وکیل باشد یا نه بدون رضایت موکل ممنوع است و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد».

«آن چه مهم است این که مفهوم انتقال قرار داد وکالت با قید وکالت در توکیل تفاوت ظریفی دارد که تفکیک این دو از یکدیگر در بررسی این تخلف بسیار حائز اهمیت است. یکی از قیودی که مطابق ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور است. چون اصل داشتن حق وکالت در توکیل مدنی (مصوب ۱۳۷۹) باید در وکالت نامه قید شود. بر این است که وکیل حق توکیل به شخص دیگری را ندارد و کار محوله را باید شخصاً عهده دار انجام آن شود. آنچه در این مورد مهم است این که داشتن حق توکیل با انتقال مورد وکالت دو مقوله جداست. انتقال وکالت در موردی است که وکیل از روی اختیار و

گاهی تقلب، بدون انجام امور وکالت یا با انجام قسمتی از آن این قرار داد را به شخص دیگری کلاً یا جزئاً منتقل نماید و خود کنار رود در حالی که وکالت در توکیل مواردی را شامل می گردد که وکیل با اجازه موکل در مواردی که خود احساس می کند برای انجام بهتر و سریع تر امور کسب نتیجه مثبت که به نفع موکل هم هست به دیگران وکالت دهد و در این مورد تقلبی نیز در کار نبوده و هدف انجام امور وکالت توسط شخص دیگری که موکل قبلاً اجازه آن را به وکیل داده است می باشد در هر حال باید توجه داشت که وکالت در توکیل جزء موارد استثنایی است که نباید وکیل از آن سوء استفاده نماید» (زمانی سلیمی، ۱۳۸۶، ۲۳).

### ۵-۱-۴. خیانت به موکل

ماده ۴۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ مقرر می دارد: «در صورتی که خیانت وکیل نسبت به موکل ثابت شود، از قبیل آنکه وکیل موکل ساخته و بالنتیجه حق موکل را تضییع نماید، به محرومیت ابدی از شغل وکالت محکوم خواهد شد و موکل می تواند خسارت وارده بر خود را از او مطالبه نماید. این موضوع در بند سه ماده ۸۲ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ مجدداً مورد تاکید قرار گرفته است. این ماده قانونی مقرر می دارد: متخلف از مقررات ذیل به مجازات انتظامی درجه ۶ (محرومیت دائم از شغل وکالت محکوم خواهد بود: ۳- در صورتی که ثابت شود، وکیل با طرف موکل خود ساخته که حق موکل را تضییع نماید یا خیانت دیگری نسبت به موکل کرده باشد». خیانت وکیل دادگستری به موکل یکی از مهمترین تخلفات انتظامی است که تمامی سعی و تلاش جامعه را برای حفظ نظم عمومی به وسیله

برقراری یک روند رسیدگی سالم و قانونمند قضایی از بین می‌برد. بنابراین شدیدترین مجازات انتظامی یعنی محرومیت دائم از شغل وکالت دادگستری برای مرتکب آن تعیین شده است (انصافداران، ۱۳۸۶، ۵۴).

تنها متنی وجود دارد که چه بسا به متن قانون ایرانی شباهت داشته باشد، متنی که در ماده ۴۳ ذکر شده است: «وکیل باید از موکلش در نهایت امانت و اخلاص دفاع کند و در صورتی که از حدود وکالت تجاوز کرده یا اشتباه فاحشی و بزرگی نماید، مسئول است». همچنین در اصول رفتارهای حرفه ای صادره از کانون وکلای عراقی نیز اشاره‌ای به این موضوع نشده است و این اشتباه فاحشی بوده که لازم است در قانون وکالت جدید جبران شود.

#### ۵-۱-۵. عدم اطلاع استعفای وکیل به موکل

«وکالت از عقود جایز است و به عزل موکل یا استعفای وکیل و بالاخره با فوت یا جنون هر یک از طرفین مرتفع می‌گردد (ماده ۶۷۸ قانون مدنی) لذا وکیل هر لحظه می‌تواند با تقدیم استعفا نامه به موکل و دادگاه از وکالت استعفا دهد لکن استعفای وکیل یا عزل موکل هر کدام آثاری دارد که ممکن است جریان دعوا را تحت تأثیر قرار دهد به همین جهت نیز مقنن رعایت تشریفاتی را برای بیان استعفا وکیل ضروری می‌داند که از آن جمله اطلاع رسانی به موقع به موکل است» (نوری، ۱۳۸۵، ۷۵) در خصوص اطلاع رسانی استعفا از جانب وکیل به موکل خود ماده ۳۹ قانون آیین دادرسی مدنی اشعار می‌دارد: «هر وکیلی که دادخواست تقدیم کرده، در صورت استعفاء مکلف است آن را به اطلاع موکل خود برساند و پس از آن موضوع استعفای وکیل و اخطار رفع نقص توسط دادگاه به موکل ابلاغ می‌گردد».

شود. رفع نقص به عهده موکل است». همچنین بر اساس ماده ۳۶ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ «در صورتی که وکیل بخواهد از وکالت استعفاء نماید باید قبلاً طوری به موکل و محکمه اطلاع دهد که موکل بتواند وکیل دیگری در موقع برای خود معین و به محکمه معرفی کند».

بنابراین، از آنجایی که این تکلیف جزء وظایف شغلی وکیل است. عدم انجام آن مسئولیت انتظامی وکیل را به عهده خواهد داشت. در خصوص مسئولیت انتظامی وکیل در اثر عدم اطلاع رسانی به موکل و دادگاه مفتن در ماده ۸۰ آیین نامه اجرایی لایحه استقلال کانون وکلای دادگستری و بند ۵ آن مقرر داشته است: در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه چهار محکوم می‌شود: ۵- در صورتی که استعفای خود را از وکالت به موکل و دادگاه اطلاع ندهد یا وقتی اطلاع دهد که موکل مجال کافی برای تعیین وکیل دیگر و معرفی به دادگاه نداشته باشد مجازات انتظامی درجه چهار شامل تنزل درجه می‌باشد. در خصوص مسئولیت مدنی وکیلی که استعفای خود را به موکل اطلاع نداده، باید گفت که وکیل مزبور به تکلیف قانونی خود عمل ننموده است. بدیهی است نقض تکلیف قانونی تقصیر به شمار می‌آید و تقصیر یکی از منابع مسئولیت مدنی است.

#### ۵-۱-۶. وکالت در امری با سابقه اظهار نظر

##### قضائی

«معاذیر وکالت دارای مصادیق متنوع و مختلفی است. مانند قبول وکالت در امری که قبلاً سابقه اظهار نظر قضائی وجود از جمله این معاذیر است» (بهرامی، ۱۳۸۷، ۸۹). مطابق ماده ۴۳ قانون وکالت، مصوب ۱۳۱۵/۱۱/۲۵: وکلاء دادگستری نمی‌توانند، نسبت به موضوعی که قبلاً به واسطه

به تحقق این تخلف نمی‌باشد. لذا لازم است، کسی که اظهار نظر کتبی می‌نماید، قاضی یا داور صادرکننده رای باشد.

#### ۵-۱-۷. قبول وکالت بالاتر از درجه

ماده ۶۰ آیین نامه وکالت، مصوب ۱۳۱۶ مقرر می‌دارد: «وکلاء عدلیه و کارگشایان نباید، بالاتر از درجه ای که دارند، قبول وکالت نمایند. همچنین ماده ۶۲ آیین نامه مذکور در این خصوص مقرر می‌دارد: «وکلاء مکلفند. لوایح و نوشتجات خود را طبق اوراق مخصوصی که در لوحه آن نام و محل اقامت خود و دارالوکاله مربوطه را قید کرده باشند. به محاکم تسلیم نمایند و حتی المقدور ماشین تحریر استعمال نموده و یا مکاتبات را با خط خوب و خوانا بنویسد». همچنین بند ۲ ماده ۸۰ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۴ قبول وکالت بالاتر از درجه را تخلف اعلام کرده و برای آن مجازات انتظامی درجه چهار (تنزل درجه) تعیین کرده است. این ماده قانونی مقرر می‌دارد: ۲- در صورتی که به وسیله اوراق چاپی یا تابلو یا مسائل دیگر درجه خود را بالاتر از پروانه‌ای که دارد، معرفی نماید. به نظر می‌رسد دلیل تعیین این تخلف انتظامی برای وکیل دادگستری حمایت از موکل در برابر وکیلی است که به لحاظ توانایی عملی و علمی قادر به انجام وظایف وکالتی در پرونده‌های مهم و خاص نمی‌باشد. در حال حاضر ارتکاب این تخلف انتظامی در بین کارآموزان وکالت شایع است و برخی از آنان، با معرفی خود به عنوان وکیل دادگستری سعی در جذب موکل در پرونده‌های مهم دارند و این اقدام آنان در حالی است که توانایی علمی و عملی کافی را در

سمت قضایی یا حکمیت در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند، وکالت نمایند. قانون‌گذار در بند ۷ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب آذر ماه ۱۳۳۴ انجام این عمل از وکلای دادگستری را یک تخلف انتظامی دانسته و برای مرتکب آن مجازات انتظامی درجه چهار (تنزل درجه) در نظر گرفته است. بنابراین وکیل دادگستری با توجه به تصریح ماده ۴۰ قانون مذکور به طور مطلق و دائمی از قبول وکالت در مورد موضوعاتی که قبلاً به واسطه سمت قضایی یا داور (حکمیت) در آن اظهار عقیده کتبی نموده‌اند، ممنوع می‌باشند و انجام این عمل از جانب وکلای دادگستری تخلف انتظامی است.

حسب نظریه مورخ ۱۳۴۵ / ۰۲/۲۲ اداره حقوقی دادگستری: «حکم ماده ۴۰ قانون وکالت، مطلق است و محدود به زمان نیز نمی‌شود بنابراین چنانچه وکیلی به مناسبت شغل سابق قضاوت در موضوعی سابقه اظهار نظر کتبی داشته باشد از قبول وکالت در همان موضوع دائماً ممنوع می‌باشد ولی قبول وکالت در دعاوی مربوط به متفرعات و مشتقات آن که موضوعاً با دعاوی سابق تفاوت داشته باشد بلا اشکال است. کمیسیون استفتائات کانون وکلای دادگستری، احضار مشتکی عنه با توجه به ماده ۱۲۴ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری که احضار متهم را پس از بررسی دلایل اتهام مجاز دانسته است، نوعی اظهار عقیده قضائی تلقی نموده است (باری، ۱۳۹۱، ۲۱۴-۲۱۲). برای محقق شدن این تخلف لزوم وجود سابقه اظهار نظر کتبی در مقام قضاوت و داور (اعم از رسیدگی مقدماتی و صدور حکم) ضروری می‌باشد. بنابراین هرگونه اظهار نظر شفاهی منجر

## ۵-۱-۹. عدم تحویل یک نسخه از قرارداد

### به موکل

مطابق ماده ۳۲ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵: «وکلا باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به ضمیمه وکالتنامه به دفتر محکمه تسلیم دارند...». بر اساس ماده ۶۳ آیین نامه قانون وکالت، مصوب ۱۳۱۶: «وکلاء مکلفند وکالتنامه‌هایی که از موکلین دریافت می‌کنند، طبق اوراق مخصوصی که برای این کار مقرر است، تنظیم و به موکل بدهند. متخلف در وهله اول به سه ماه انفصال (درجه ۵) و در صورت تکرار ممنوع الوکاله (درجه ۱) خواهد شد». در خصوص این ماده دریافت اقرار از موکل در متمم قرارداد مالی که شرایط و ضوابط کار وکیل در آن قید می‌گردد، بسیار مفید خواهد بود. به عبارت دیگر، وکیل می‌تواند در قرارداد مالی با قید یک بند با مفهومی مانند اینکه موکل اقرار دارد که نسخه دوم وکالتنامه و رسید اوراق و وجوه پرداختی را از وکیل دریافت داشته است خود را از قرار دادن در مظان اتهام به دور دارد.

به نظر می‌رسد، دلیل تعیین این تخلف انتظامی برای وکیل دادگستری پیشگیری از سوء استفاده وکیل دادگستری از شرایط خاص روحی و روانی موکل و اعتماد خاص وی به وکیل دادگستری می‌باشد. زیرا با دریافت قرارداد وکالت موکل متوجه می‌شود که چه اختیاراتی به وکیل دادگستری می‌باشد. زیرا با دریافت قرارداد وکالت موکل متوجه می‌شود که چه اختیاراتی به وکیل خود تفویض کرده است و چه تعهدات مالی در برابر وکیل دادگستری بر عهده گرفته است. در خصوص دفاع وکیل دادگستری در برابر اتهام ارتکاب این تخلف انتظامی دریافت اقرار کتبی از

جهت انجام وظایف وکالتی مهم ندارند و این امر باعث لطمه و آسیب به حقوق موکل می‌شود.

## ۵-۱-۸. افشاء اسرار موکل

«سر یا اسرار در قوانین موجود تعریف نشده و حتی در آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا نیز که برای افشاء اسرار به شرح بند ۲ ماده ۸۱ و بند ۵ ماده ۷۶ همان قانون مجازات ممنوعیت از سه ماه تا سه سال از حرفه وکالت را مقرر داشته است، تعریفی از سر یا اسرار به دست نداده است» (قهرمانی، ۱۳۸۷، ۴۷۹). مطابق ماده ۳۱ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵: «وکیل باید اسراری که به وسیله وکالت از طرف موکل مطلع شده و همچنین اسرار مربوط به حیثیات و شرافت و اعتبارات موکل را حفظ نماید». ضمانت اجرای این ماده در آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری پیش بینی شده است. بر اساس ماده ۸۱ آئین نامه مذکور: «متخلف در موارد ذیل به مجازاتهای انتظامی درجه ۵ محکوم خواهد شد... ۲- در صورتی که به واسطه وکالت از اسرار موکل مطلع شده و آن را افشاء نماید اعم از این که اسرار مزبور مربوط به امر وکالت یا شرافت و حیثیت اعتبار موکل باشد» همچنین بر اساس ماده ۸۸ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا: «کارآموزان مشمول مقررات انتظامی در این آئین نامه خواهند بود» و بالاخره این که مطابق تبصره ۳ ماده ۶۹ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری: «کارآموزان وکالت در دوران کارآموزی باید حسن اخلاق و حسن رفتار داشته باشند، چنانچه به تشخیص کمیسیون کارآموزی خلاف آن احراز شود با تأیید رئیس کانون و رأی دادگاه انتظامی پروانه کارآموزی آنان ابطال خواهد شد».

کند.» در این موارد وکیل می تواند پس از اجرای مفاد وکالت، اجرت المثل کار خود را بر مبنای نظر کارشناس مطالبه کند. گاه نیز عرف و عادت میزان اجرت را معین می کند، در این فرض، سکوت طرفین در قرارداد به منزله پذیرش ضمنی دستمزد متعارف و رسمی است که باید پرداخت شود (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۲، ۱۵۱).

بر اساس ماده ۱ آیین نامه تعرفه حق الوکاله که مقرر می دارد: «قرارداد حق الوکاله طبق ماده ۱۹ لایحه قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب سال ۱۳۳۵ بین وکیل و موکل معتبر است...». طرفین می توانند مبادرت به انعقاد عقد وکالت نمایند و از کلیه اختیارات و امتیازات آن بهره برده و تا زمانی که مفاد قرارداد با قوانین آمره یا نظم عمومی و اخلاق حسنه منافاتی نداشته باشد بین طرفین و قائم مقام آنها لازم الاتباع خواهد بود.

بنابراین طرفین می توانند به موجب ماده ۱۹ لایحه قانون استقلال کانون وکلا و ماده ۱ آیین نامه تعرفه حق الوکاله قرارداد وکالت را تنظیم نموده و در آن میزان حق الوکاله را تعیین کنند، مواد قانونی مذکور گویای مطلب جدیدی در حقوق ما نیست بلکه در راستای اصل آزادی قراردادهای و ماده ۱۰ قانون مدنی بیان شده و از آنجا که عقد وکالت از عقود معین مندرج در فقه اسلامی و قانون موضوعه می باشد و فقها و حقوق دانها در مورد آن بطور بسیطی مطالعه نموده و مطلب نوشته اند، شاید بتوان گفت که متفق القول هستند در صورت تعیین حق الوکاله با تراضی، باید بدان پایبند بوده و مفاد قرارداد را محترم شمرده و در صورت انجام موضوع وکالت حق الزحمه مقرر پرداخت گردد.

موکل در هنگام تنظیم قرارداد وکالت مبنی بر تحویل قرارداد وکالت ضروری است. به دیگر سخن اصل بر عدم انجام وظایف وکالتی توسط وکیل دادگستری است و این وکیل دادگستری است که باید ثابت کند که به وظایف وکالتی خود عمل کرده است.

## ۵-۲. دریافت حق الوکاله مازاد بر تعرفه

«وکالت در اصل از عقود تبرعی و مجانی است و هنگامی که در آن شرط اجرت به طور صریح یا ضمنی شده باشد جزو عقود معاوضی خواهد بود» (بهرامی، ۱۳۸۷، ۱۶). «برای انجام امور محاکمات قراردادی بین وکیل و موکل منعقد و در قرار داد مذکور به واسطه عدم اطلاع و بصیرت موکل شروط غیر عادلانه به نفع وکیل مقرر و حتی حق صلح باطرف نیز از موکل سلب و برای خود اختیارات وسیعی قائل شود که این قسم از قرار داد بر خلاف انتظار و از یک نفر وکیلی است که شغل خود را وکالت قرار داده و این نحو از سلوک و رفتار با موکلین مخالف با انتظام وکالت رسمی باشد» (باختر؛ رئیسی، ۱۳۸۵، ۳۱).

## ۵-۲-۱. دریافت حق الوکاله مازاد بر تعرفه

### در قانون مدنی

در قانون مدنی ماده ۶۷۶ ق.م مقرر می دارد: «حق الوکاله وکیل تابع قرارداد بین طرفین خواهد بود و اگر نسبت به حق الوکاله یا مقدار آن قرارداد نباشد، تابع عرف و عادت است و اگر عادت مسلمی نباشد وکیل مستحق اجرت المثل است». لذا بر این اساس، طرفین می توانند نسبت به تعیین حق الوکاله اتخاذ تصمیم نمایند. حال چنانچه به هر دلیلی حق الوکاله تعیین نشده باشد و به عدم رایگان بودن خدمت وکیل تصریح نشده باشد، اصل بر این است که وکالت مجانی نبوده و موکل باید حق الزحمه وکیل را پرداخت

اصل آزادی قراردادی در حقوق ما بوسیله ماده ۱۰ قانون مدنی اعلام شده است. به موجب این ماده «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند، در صورتی که خالف صریح قانون نباشد، نافذ است». پس جز در مواردی که قانون مانعی در راه نفوذ قرارداد ایجاد کرده است، اراده اشخاص، حاکم بر سرنوشت پیمان‌های آن‌هاست و آزادی اراده را باید به عنوان اصل پذیرفت. در فقه نیز بسیاری از فقها (شهید ثانی، ۱۳۸۱، ج ۵، ۷۱؛ اردبیلی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۴۴) در مبحث شرط پیرو این اصل می‌باشند. از آنجا که عقد وکالت دادگستری بین وکیل دادگستری و موکل که شخصی حقیقی یا حقوقی است منعقد می‌شود، نهادهای مختلفی نظیر کانون وکلای دادگستری، سازمان امور مالیاتی و محاکم دادگستری می‌توانند قرارداد واقع شده را بررسی و از زوایای مختلفی به چالش بکشانند. وکیل دادگستری از زمان بستن قرارداد با موکل علاوه بر رعایت شرایط اساسی صحت هر معامله که در ماده ۱۹۰ قانون مدنی بیان شده، بایستی از قواعد آمره در قانون خاص وکالت و آیین نامه مرتبط با آن نیز پیروی کند. بنابراین آزادی قراردادی نه تنها در عقد وکالت بلکه در تمامی عقود تا زمانی قابلیت اعمال را دارد که با قوانین و مقررات آمره یا اخلاق حسنه و نظم عمومی منافات نداشته باشد.

نظم عمومی مفهوم انتزاعی و کلی می‌باشد و به دشواری می‌توان از آن تعریفی جامع و مانع نمود. مرجع تشخیص این قواعد در هر دعوا دادگاه است که باید از اجرای پیمان خالف نظم عمومی خودداری کند (ماده ۹۷۵ ق.م) از طرفی اخلاق حسنه نیز چهره خاصی از نظم عمومی است بخشی که هنوز در قوانین نفوذ نکرده و ضامن

اجرای آن تنها وجدان اجتماعی است» (کاتوزیان، ۱۳۸۹، ج ۲، ۶۲).

در عقد وکالت دادگستری اصل آزادی قراردادهای پذیرفته شده است بطوری که ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب سال ۱۳۳۳ به صراحت بدان اشاره نموده، لذا وکیل و موکل می‌توانند عالوه بر تعیین موضوع وکالت و نحوه اجرای آن نسبت به تعیین حق الوکاله تصمیم گرفته و هر دو طرف قرارداد بدان پایبند باشند. اما ممکن است این سوال مطرح شود که وجود قرارداد کتبی جهت تعیین حق الوکاله لازم است یا به هر طریقی می‌توان وجود قرارداد را اثبات نمود. به عبارتی وجود قرارداد کتبی موضوعیت دارد یا طریقت؟ قرارداد وکالت به موجب ماده ۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی ممکن است به صورت سند رسمی یا غیر رسمی باشد، حتی ممکن است وکالت در جلسه دادرسی داده شود و مراتب پس از قید در صورتجلسه به امضا موکل برسد. بنابراین در بدو امر بنظر می‌رسد احراز وکالت وکیل به هر نحوی ممکن باشد و وجود قرارداد کتبی لازم نیاید. اما قوانین خاص وکالت از جمله ماده ۳۲ قانون وکالت که مقرر می‌نماید وکلا باید با موکل خود قرارداد حق الوکاله تنظیم و مبادله نمایند و نسخه ثانی قرارداد را به ضمیمه وکالتنامه به دفتر محکمه تسلیم دارند... گویای این موضوع است که قرارداد باید کتبی باشد تا ضمیمه کردن نسخه ثانی به وکالتنامه جهت تحویل به دفتر محکمه موضوعیت پیدا کند.

## ۵-۲-۲. دریافت حق الوکاله مازاد بر تعرفه در قوانین و آیین نامه‌های خاص

ماده ۳۴ قانون وکالت مقرر می‌دارد: «دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیر

رسمی از او علاوه بر میزان مقرر به عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشد ولو به عنوان وجه التزام و نذر ممنوع است مرتکب به مجازات انتظامی از درجه ۵ به بالا محکوم می شود و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشأ ترتیب اثر نخواهد بود. در صورتی که وکیل این عمل را به طور حيله انجام دهد مثل این که پول یا مال یا سندی در ظاهر به عنوان دیگر و در باطن راجع به عمل وکالت باشد و یا در ظاهر به اسم شخص دیگر و در باطن برای خود بگیرد کلاهبردار محسوب و مورد تعقیب جزایی واقع خواهد شد». ماده ۱۹ لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳ مقرر می دارد: «میزان حق الوکاله در صورتی که قبلاً بین طرفین توافق نشده باشد طبق تعرفه ای است که با پیشنهاد کانون و تصویب وزیر دادگستری (رئیس قوه قضائیه) تعیین خواهد شد و در قبال اشخاص ثالث این تعرفه معتبر خواهد بود مگر در صورتی که قرارداد حق الوکاله کمتر از میزان تعرفه وکالتی باشد». ضمانت اجرای این آئین نامه در ماده ۸۰ آئین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلا دادگستری پیش بینی شده است. این ماده مقرر داشته: «در موارد ذیل متخلف به مجازات انتظامی درجه ۴ محکوم می شود... ۴- در صورتی که زائد بر حق الوکاله که به تراضی با موکل قرار داده و در موردی که قرارداد در بین نباشد زائد بر تعرفه وزارتی یا زائد بر هزینه های قانونی وجه یا مال دیگر یا سندی به نام خود یا دیگری بگیرد...» (تفضلی، ۱۳۸۵، ۴). مطابق ماده ۱۹ وکلا دادگستری قادرند طبق تعرفه یا بیش از تعرفه یا کمتر از تعرفه از موکل خود حق الوکاله دریافت نمایند، اما اگر میزان حق الوکاله در ستون حق

الوکاله وکالتنامه معین و مشخص نباشد به معنی آن است که حق الوکاله طبق تعرفه بوده است. وکیل قادر است طبق توافق از موکل خود بالاتر یا پایین تر از تعرفه حق الوکاله دریافت نماید، اما نکته مهم این است که اگر وکیل از موکل خود بالاتر از تعرفه حق الوکاله دریافت نماید قادر نیست از طرف مقابل (شخص ثالث) اضافه حق الوکاله دریافتی را مطالبه نماید و حتماً می بایست این موضوع را در زمان انعقاد قرارداد به اطلاع موکل خود برساند و در توافق نامه مالی اطلاع خود را به امضاء وی برساند اما اگر وکیل از موکل خود کمتر از تعرفه حق الوکاله دریافت نماید و این موضوع را در وکالتنامه تصریح نماید، طرف مقابل (شخص ثالث) در صورت محکومیت فقط مسئول پرداخت همان اندازه حق الوکاله ای است که موکل به وکیل خود پرداخت نموده نه طبق تعرفه یا مازاد آن.

#### ۵-۲-۲-۱. ممنوعیت حق انتفاع وکیل از مدعی به

براساس ماده ۳۹ قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ مزبور: «وکیل دادگستری حق ندارد، دعاوی را به طور مصلحت یا در ظاهر به اسم دیگری و در باطن به نام خود انتقال گیرد. این قبیل دعاوی در محکمه پذیرفته نخواهد شد و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد. هرچند قبول وکالت به این طریق خود نوعی خدعه است که در امر وکالت صورت گرفته ولی در این مورد طرف خدعه تفاوت می کند. در قبول وکالت به صورت فریبنده این موکل است که متضرر می شود ولی در این مورد جامعه از این خدعه متضرر می گردد شعبه ششم دیوان عالی کشور در رای شماره ۲۳۰۴ - ۳ / ۷ / ۱۳۱۷ آورده: «ماده ۳۹ قانون وکالت مطلق بوده و شامل کلیه

دادگستری نوعی کتمان حقیقت و خلاف مندرجات سوگندنامه است.

## ۵-۲-۲. ممنوعیت اخذ هر گونه سند و تعیین وجه التزام بعنوان تضمین پرداخت حق الوکاله

به موجب ماده ۷۸ نظامنامه قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۶ «گرفتن هرگونه سند رسمی یا عادی از موکل بجای قرارداد حق الوکاله از قبیل سند ذمه یا ترطی و یا چک به وعده یا فته طلب و غیره اعم از اینکه گرفتن اسناد مزبور برای تمام یا قسمتی از حق الوکاله باشند و همچنین تنظیم قرارداد حق الوکاله بر طبق اوراقی سوای آنچه به موجب قانون وکالت و این نظامنامه مقرر می‌باشند. ممنوع است».

از نقطه نظر قوانین عام در حقوق ایران و نظر به اصل حاکمیت اراده طرفین قرارداد بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی و ماده ۱۹ لایحه استقلال کانون وکلا تعیین وجه التزام در قرارداد وکالت صحیح به نظر می‌رسد و با توجه به ماده ۲۳۰ قانون مدنی و ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی وجه التزام به هر میزانی که باشند نافذ است. ناگفته نماند که در خصوص ماهیت وجه التزام و تترایط قابل مطالبه بودن آن نظرات متفاوتی وجود دارد. برخی ماهیت وجه التزام را نوعی کیفر مدنی می‌دانند و برخی آن را برای جبران خساراتی که از نقض تعهد به متعهد له وارد می‌شود در نظر می‌گیرند.

«تنها موضوعی که چنین وجه التزامی را به چالش می‌کشد و در خصوص مطالبه آن تردید وارد می‌نماید. وجود ماده ۳۴ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵ می‌باشند که چنین مقرر کرده است دریافت هر وجه یا مالی از موکل یا گرفتن سند رسمی یا غیررسمی از او علاوه بر میزان مقرر به

انتقالاتی است که وکلا به طور تصنعی در دعاوی می‌گیرند ولو در آن دعوی وکالت نداشته باشند».

ماده ۸۰ آیین نامه قانون وکالت، مصوب ۱۳۱۶ مقرر می‌دارد: «شرکت در مدعی به برای وکلای عدلیه ممنوع است و متخلف به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم خواهد شد و در صورتی که ثابت شود این عمل به طور ساختگی و حيله انجام یافته، از قبیل آنکه شرکت در مدعی به نام دیگری است و در باطن مربوط به خود وکیل میباشد مجازات متخلف از درجه ۵ به بالا خواهد بود». بند یک ماده ۸۱ آیین نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری، مصوب ۱۳۳۴ نیز در صورتی که وکیل دادگستری دعوی را به طور مصانعه یا در ظاهر به نام دیگری و در باطن برای خود انتقال بگیرد، مجازات انتظامی درجه پنج (ممنوعیت از وکالت از سه ماه تا سه سال) در نظر گرفته است. در قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ شرط تعیین مجازات برای وکیل دادگستری صرفاً ورود مصانعه ای وکیل دادگستری در دعوی میباشد. ولی طبق آیین نامه قانون وکالت، مصوب ۱۳۱۶ علاوه بر تشدید مجازات در ورود تصنعی حيله گرانه وکیل دادگستری در دعوی صرف شرکت وکیل دادگستری در مدعی به را نیز برای وکلای دادگستری ممنوع اعلام کرده و متخلف را به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌نماید (سامانی؛ شیخ الاسلامی، ۱۳۹۲، ۳۴). حساسیت مقنن در مورد این تخلف به این دلیل است که این عمل وکیل دادگستری نوعی عمل بر خلاف شان و منزلت وکیل دادگستری است. این تخلف زمانی تحقق می‌شود که وکیل دادگستری در ابتدای دعوی با انعقاد قرارداد جداگانه حق الوکاله خود را مدعی به سهیم می‌کند. در واقع چنین عملی از جانب وکیل

عنوان حق الوکاله و علاوه بر مخارج لازمه به هر اسم و هر عنوان که باشند ولو به عنوان وجه التزام و نذر ممنوع است و مرتکب به مجازات انتظامی از درجه پنج به بالا محکوم می‌شوند و چنین سند و التزام در محاکم و ادارات ثبت منشا ترتیب اثر نخواهد بود» (شقاقی، ۱۳۸۶، ۹۰).

همانطور که از متن ماده برمی آید وصول هر وجهی ولو با عنوان وجه التزام علاوه بر حق الوکاله مقرر ممنوع می‌باشند. اما باید به این مورد توجه داشت که چنین مقرره ای قبل از تقنین ماده ۱۹ لایحه قانون استقلال قانون وکلا مصوب سال ۱۳۳۳ وجود داشته و در صورتی که آزادی قراردادی در قرارداد وکالت که حاصل ماده ۱۹ لایحه اخیر الذکر است را بطور کامل و بدون قیود مندرج در قانون وکالت سال ۱۳۱۵ بپذیریم قطعاً می‌توان وجه التزام را در قرارداد وکالت پیش بینی نمود. اما ماده ۲۴ لایحه قانونی استقلال قانون وکلا تنها آن قسمت از قانون وکالت مصوب بهمن ماه سال ۱۳۱۵ را نسخ نموده که با مواد مندرج در لایحه استقلال قانون مغایرت داشته باشند و از طرفی در خصوص وجه التزام در قرارداد وکالت، هیچ ماده‌ای در لایحه مذکور دیده نمی‌شود و به عبارتی ماده ۳۴ قانون وکالت مصوب سال ۱۳۱۵ با مواد لایحه استقلال قانون وکلا مصوب سال ۱۳۳۴ مغایرتی ندارد و همچنان قابل اعمال است. نتیجتاً در وجه التزام در قرارداد وکالت با ممنوعیت قانونی مواجه می‌شوند و طبق قانون تخلف محسوب می‌گردد.

## ۶. نتیجه

چنانچه در خصوص میزان و نحوه پرداخت حق الوکاله، قراردادی در بین نباشد، حق الوکاله بر اساس تعرفه مندرج در آیین نامه تعرفه حق الوکاله مصوب سال ۱۳۸۵ محاسبه و پرداخت می‌گردد.

همچنین نسبت به محکوم علیه در هر صورت، چه قراردادی بین وکیل و موکل باشد چه نباشد، تعرفه حق الوکاله ملاک خواهد بود. مگر در صورتی که حق الوکاله قراردادی کمتر از میزان تعرفه باشد که محکوم علیه به میزان حق الوکاله مندرج در قرارداد مسئول پرداخت حق الوکاله خواهد بود. در مورد تخلف وکلای دادگستری از آئین نامه‌های انضباطی ارتباط این قبیل تخلفات با ارکان دعوای مربوط به مسئولیت مدنی وکیل است. در نظام‌های حقوقی که آئین نامه‌های انضباطی وکلا مستند به قانون ماهوی نیست در توجیه مسئولیت مدنی و کلاً مجاز نیستند به این آئین نامه‌ها استناد نمایند بلکه در هر دعوا مرتبط با مسئولیت مدنی ناگزیر باید حکم قضیه را مستقیم از قوانین موضوعه استنباط کنند. در حقوق ایران با توجه به اصل استقلال مراجع قضائی در صدور حکم و اعتبار حکم مراجع جزائی در دادگاه‌های حقوقی که به صورت یک استثناء به طور تلویحی در ذیل ماده ۲۲۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پیش بینی شده است؛ چون آراء مراجع انتظامی وکلا صرفاً در حد یک مرجع اختصاصی قابل ترتیب اثر می‌باشد، بنابراین به نظر می‌رسد دادگاه‌های حقوقی در رسیدگی به دعوای مربوط به مسئولیت مدنی وکلا آراء این مراجع را نمی‌توانند دلیل قطعی بر مسئولیت وکیل تلقی نمایند، زیرا گذشته از آن چه در مورد استقلال دادگاه‌ها بیان گردید دعوای مسئولیت مدنی دارای ارکان خاص بوده که ارتکاب تقصیر یکی از آنهاست و رکن‌های دیگر آن یعنی ورود ضرر و رابطه سببیت بین آن و تخلف انتظامی وکیل دادگستری باید ورود خسارت را توأم با وجود

رابطه سببیت بین آن و تخلف انتظامی وکیل نیز، به اثبات رساند.

#### ۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان به صورت مساوی در تهیه این پژوهش مشارکت داشته‌اند.

#### ۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

#### منابع

##### منابع فارسی

- انصافداران، محمدرضا، بررسی تطبیقی وظایف حرفه ای وکیل دادگستری، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۸۶.
- باختر، سیداحمد؛ رئیسی، مسعود، تخلفات و مجازات‌های انتظامی وکلای دادگستری، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خط سوم، ۱۳۸۵.
- باری، مجتبی، نظارت انتظامی کانون وکلای دادگستری، چاپ اول، تهران، انتشارات کتاب آرا، ۱۳۹۱.
- بهرامی، بهرام، وکالت (تألیف عبدالرزاق احمد سنه‌وری)، چاپ دوم، تهران، انتشارات روزنامه رسمی، ۱۳۸۷.
- تفضلی، ابوالقاسم، «وکالت دادگستری در ترکیه»، نشریه وکالت، شماره پنجاه و دوم، ۱۳۸۵.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی، جلد دوم، چاپ پنجم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵.
- زمانی سلیمی، فرامرز، «رفتار حرفه‌ای وکلای در آئینه دادرسی و دادگاه‌های انتظامی»، مجله کانون وکلا، شماره بیست و چهارم، ۱۳۸۶.
- سمایی، عبدالله؛ شیخ‌الاسلامی، مرتضی، تخلفات انتظامی وکلا (مجموعه مطالب-

نظریات مشورتی و آراء شعب دادگاه انتظامی)، چاپ چهارم، تهران، انتشارات خرسندی، ۱۳۹۲.

- شقاقی، بیژن، «اخلاق حرفه ای وکلا در آینه دادرسی و دادگاه‌های انتظامی»، مجله کانون وکلا، شماره چهاردهم، ۱۳۸۶.
- شمس، عبدالله، آئین دادرسی مدنی، جلد اول، چاپ دهم، تهران، انتشارات دراک، ۱۳۸۶.
- قهرمانی، نصراله، مسئولیت مدنی وکیل دادگستری، چاپ دوم، تهران، انتشارات نسل نیکان، ۱۳۸۷.
- قهرمانی، نصرالله، مقررات کامل وکالت، چاپ دوم، تهران، انتشارات مجد، ۱۳۸۷.
- کاتوزیان، ناصر، درس‌هایی از عقود معین، جلد دوم، چاپ هفتم، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۹.
- نوری، محمدعلی، رفتار حرفه ای وکلای دادگستری، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۵.

##### منابع عربی

- اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفایده و البرهان، جلد دهم، چاپ سوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، مسالک الافهام، جلد پنجم، چاپ دوم، تهران، بنیاد معارف اسلامی، ۱۳۸۱.

